

Milad Torabifard<sup>1</sup> 

1. Researcher of the International Economy Department of the Islamic Council Research Center, Tehran, Iran.  
mstorabifard91@gmail.com

## Abstract

The shifting international order has become a central topic of discussion in contemporary international relations. This study aims to analyze the geopolitical and geoeconomic shifts characterizing this changing order, with a specific focus on their implications for the Islamic Republic of Iran. By examining the emerging power structures and their geographical manifestations, the research seeks to provide a framework for policymakers to navigate the complexities of the new global landscape. The analysis reveals that while overt competition among superpowers persists, underlying geopolitical and geoeconomic realities are increasingly characterized by strategic targeting of each other's supply and value chains. Furthermore, the fragmented nature of the emerging world order will significantly impact key phenomena such as sanctions, financial and banking systems, global and regional value chains, the functioning of the global currency, protectionist policies, technological development and diffusion, and competition for critical resources. This research utilizes a combination of library research and analysis of scholarly literature and credible online sources. The findings underscore the need for Iranian policymakers to develop a nuanced understanding of these evolving geopolitical and geoeconomic realities to effectively formulate and implement foreign policy strategies that safeguard national interests and promote sustainable development.

**Keywords:** Geoeconomy, Geopolitics, World Order, New Positioning of Countries.

**JEL Classification:** F2, F5

**Doi:** 10.22034/eaai.2024.2036371.1032

### Article history:

**Receive Date:** 12 August 2024

**Revise Date:** 1 December 2024

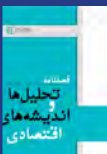
**Accept Date:** 10 December 2024

**Publish Date:** 18 December 2024



© The Author(s).

**Citation:** Torabifard, M. (2024). Explaining the Geographic-Economic Logic of Finding the Role of Countries in Changing the World Order; Eight Selected Countries. *Quarterly Journal Economic Analysis and Ideas*, 1 (2), 119-141.



# تبیین منطق جغرافیایی - اقتصادی نقش یابی کشورها در تغییر نظم جهانی؛ هشت کشور منتخب



میلاد ترابی فرد<sup>۱</sup>

۱- پژوهشگر گروه اقتصاد بین الملل مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران. mstorabifard91@gmail.com

## چکیده

تغییر در نظم جهانی موضوعی است که به صورت پربسامدی در محافل سیاست گذاری در حال طرح است. در این راستا پژوهشگران مختلفی نسبت به تبیین جانمایی جدید کشورها در این نظم در حال تغییر، کوشیده اند. مسئله پژوهش حاضر آن است که به منظور تمهید مقدمات لازم برای توسعه راه حل های مورد نیاز برای جمهوری اسلامی ایران در دوره تغییر نظم جهانی، شناخت عمیق و دقیقی را نسبت به وضعیت جغرافیایی سیاسی و جغرافیای اقتصادی ارائه دهد. فهم دقیق بافت قدرت در حال شکل گیری، در محیط جغرافیایی ایران به سیاست گذار کمک می کند تا موضعی دقیق و سنجیده را در روابط خارجی شکل دهد. اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه ای و با استفاده از کتب و مقالات علمی و همچنین وبگاه های معتبر و یا مرجع به دست آمده و به روش مطالعه موردی کیفی ارائه شده است. این پژوهش معتقد است در این تغییر نظم، ابر قدرت ها اگر چه در ظاهر در حال تعامل با هم اما در زیر پوست جغرافیا، در حال هدف قرار دادن زنجیره های ارزش و تأمین یکدیگر هستند؛ نکته دیگر آنکه در دنیای جدید که دنیایی تکه تکه شده است، پدیده هایی نظیر تحریم، پلتفرم های مالی و بانکی، زنجیره های ارزش جهانی و منطقه ای، میزان کارکرد ارز جهان روا، حمایتگرایی و سیاست های صنعتی، تحولات فناورانه و نحوه تسری آن در فضای جهانی، رقابت بر سر دسترسی به مواد اولیه حیاتی و ... شکل جدیدی به خود خواهند گرفت. **واژگان کلیدی:** ژئواکونومی، ژئوپلیتیک، نظم جهانی، جانمایی جدید کشورها.

شناسه دیجیتال: 10.22034/eaai.2024.2036371.1032

طبقه بندی JEL: F2, F5



© The Author(s).



سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۲۲ مرداد ۱۴۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۱ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۰ آذر ۱۴۰۳ تاریخ انتشار: ۲۸ آذر ۱۴۰۳

استاددهی: ترابی فرد، میلاد، (۱۴۰۳). تبیین منطق جغرافیایی - اقتصادی نقش یابی کشورها در تغییر نظم جهانی؛ هشت کشور منتخب. فصلنامه تحلیل ها و اندیشه های اقتصادی، (۲۱)، ۱۱۹-۱۴۱.

## ۱- مقدمه

نظم‌های جهانی معمولاً در زمان بسیار کمی تعیین تکلیف می‌شوند ولی برای دهه‌ها یا شاید قرن‌ها باقی می‌مانند. به‌عنوان مثال قدرت‌های پیروز در جنگ جهانی دوم نظم جهانی را به‌مدت پنج دهه پس از آن در دست گرفتند. این شکل‌گیری نظم دو طرف دارد؛ طرفی که نظم را اعمال می‌کند و طرفی که فارغ از اینکه بازنده یا بی‌طرف در درگیری باشد در نظم طرف پیروز زیست خواهد کرد.

دوران کنونی از این جهت با دوران پیشین تاریخی متفاوت است که وجود تسلیحات فوق مخرب اتمی و فناوری‌های پیشرفته نظامی، بروز جنگ‌های نظامی برای تعیین تکلیف جهان را پرهزینه و ناشدنی ساخته است. به همین دلیل انتظار می‌رود الگوی رقابت جهانی کاملاً متفاوت باشد و ترکیبی از رقابت‌ها در عرصه‌های مختلف تجربه شود؛ اما باید در نظر داشت که تعبیر تغییر در نظم جهانی به‌خصوص پس از بحران اوکراین سویه‌های جدی ژئوپلیتیکی به خود گرفته است. افول نظم سابق جهانی و نوید ظهور نظم نوین از جمله موضوعات مهمی محسوب می‌شود که طی سال‌های اخیر در بیانات مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفیران جمهوری اسلامی ایران در اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲ با اشاره به تحول در نظم کنونی و پُر تکرار شدن این موضوع در ادبیات سیاست‌گذاران و متفکران در سطح جهانی، اشاره فرمودند که: «تحول در نظم جهانی یک فرایند پرفراز و نشیب و بلندمدت و متأثر از حوادث احتمالی پیش‌بینی نشده است و کشورهای مختلف نظرات و رویکردهای متعارض و گوناگونی به آن دارند». ایشان همچنین لازمه جانمایی مناسب ایران در نظم نوین را هوشیاری مضاعف فکری و عملی و رصد و ارزیابی تحولات جهانی و شناخت دقیق سمت‌وسو و پشت پرده حوادث دانستند؛ بنابراین مسئله شناخت نظم در حال شکل‌گیری جهانی و جایگاه‌یابی جمهوری اسلامی ایران ذیل این نظم تحول‌یابنده، حائز اهمیت است.

مسئله پژوهش حاضر آن است که به‌منظور تمهید مقدمات لازم برای توسعه راه‌حل‌های مورد نیاز برای جمهوری اسلامی ایران در دوره تغییر نظم جهانی، شناخت عمیق و دقیقی را نسبت به وضعیت جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی ارائه دهد. فهم دقیق بافت قدرت در حال شکل‌گیری در محیط جغرافیایی ایران به سیاست‌گذار کمک می‌کند تا موضعی دقیق و سنجیده را در روابط خارجی شکل دهد. عمده تلاش این پژوهش بر توصیف ژئواکونومیک از

وضعیت جهان است. منطق انتخاب کشورهای منتخب در این مقاله نیز بر همین اساس بوده و سعی شده است تا کشورهایی در هرم قدرت جهانی که نخست صاحب ابتکار هستند و دوم در محیط سیاست خارجی ایران در آینده اثرگذاری کلان خواهند داشت مد نظر قرار گیرند. حسب جایگاه جغرافیایی و نقش هر یک از کشورها در سیاست بین‌الملل، این مقاله نقش‌یابی‌های عمده در چهارسوی جغرافیای ایران را ذکر خواهد کرد. این امر بدین دلیل است که بررسی کامل این محیط، تکافو مناسبی برای تمهید راه‌حل‌های لازم برای مقام سیاست‌گذار است. تحقیق حاضر به‌صورت مشخص برای توصیف روند اقتصادی کشورهای منتخبی که بر سرنوشت ایران تأثیر می‌گذارند صرفاً بر متغیرهای اقتصادی تکیه نکرده بلکه برای توصیف دقیق این روند از داده‌های اجتماعی نیز استفاده شده است. این شیوه‌ی تحلیلی بدان رو به کار برده شده است که بتواند «نظم» را توصیف نماید. در این راستا پس از ارائه ادبیات نظری، پیشینه تحقیق و روش تحقیق، در بخش یافته‌ها به ۸ کشور منتخب آمریکا، چین، اروپای قاره‌ای (آلمان و فرانسه)، هند، امارات، روسیه، ترکیه و آذربایجان پرداخته شده است.

## ۲- ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

### ۲-۱- مبانی نظری

این نوشتار بر پایه مفهوم جغرافیای سیاسی و اقتصاد ژئوپلیتیکی (ژئواکونومی) بنا شده است؛ ژئوپلیتیک شامل سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت است. اقتصاد از طرفی یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت است. ژئوپلیتیک به‌طور ذاتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل‌دهنده خود یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده و به آن توجه می‌نماید؛ بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا نیز عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومی به‌عنوان بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد که در زیرمجموعه جغرافیای سیاسی قرار دارد. اگرچه از قدیم استفاده از ابزارهای اقتصادی در سیاست وجود داشته است ولی پس از جنگ سرد و جهانی‌شدن که رویکردهای اقتصادی مورد توجه بیشتر قرار گرفتند، بحث ژئواکونومی نیز روزبه‌روز در سیاست‌های داخلی و خارجی و به‌عنوان یک روش نوین کشورداری مطرح شد. با وجود اینکه از نظر نسبت، ژئواکونومی شاخه‌ای از ژئوپلیتیک است، ولی تفاوت‌هایی با آن دارد و بازیگران متعددی در آن درگیر می‌شوند که بر پیچیدگی این رویکرد می‌افزاید. ابزارهای مورد استفاده در ژئواکونومی نیز

علاوه بر تعدد و تنوع زیاد، عمدتاً از نوع ابزارهای قدرت نرم بوده بر پیچیدگی نظام بین‌الملل می‌افزایند. در سیاست داخلی و امور کشورداری نیز توجه به این رویکرد موجب تقویت زیربناها و زیرساخت‌های قدرت ملی شده و به افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور کمک می‌کند که این امر موجب تغییر رفتار و جایگاه کشور در نظام ژئوپلیتیک در راستای تحصیل منافع ملی می‌شود. در خصوص ایران به نظر می‌رسد تحلیل مسائل کشور از دیدگاه ژئواکونومیک می‌تواند موجب باز شدن زاویه جدید و واقع‌بینانه‌ای به فهم مسائل شده و راهکارها و راهبردهای تجویزی را بیش از پیش دقیق‌تر و مفیدتر نماید (مختاری هشی، ۱۳۹۷).

## ۲-۲- پیشینه تحقیق

ضرورت تفسیر دقیق وقایع جهانی در این راستا ذهن پژوهشگران بسیاری را درگیر کرده است. به فراخور موضوع این مقاله که کشورهای زیادی را شامل می‌شود دایره پژوهشی موسع شکل گرفته و از همین رو پیشینه پژوهشی مفصلی نیز مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته است. در سطح بررسی‌های ژئواکونومیک در منطقه و جهان موارد ذیل مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است.

ترابی فرد و رزم آهنگ (۱۴۰۲) در گزارشی پژوهشی به بررسی سازوکار نظم جهانی در دوره تغییر نظم پرداخته‌اند و تصویری کلی از وضعیت کنونی جهان و رقابت قدرت‌های بزرگ ارائه کرده‌اند.

ترابی فرد و دیگران (۱۴۰۱) در واکاوی علت‌های بروز و امتداد تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران به بررسی وضعیت ژئواکونومیک ایران پرداختند و معتقدند جغرافیای ایران به دلیل قرارگیری در نقطه گرانیگاهی شکل‌گیری نظم نوین جهانی عاملی مهم در ماندگاری تحریم است. پاسخ دقیق به تحریم عبارت است از «خروج از زیست نفتی و جانمایی جدید کشور در عرصه بین‌الملل». در این رویکرد جدید چندبُعدی، چالش‌هایی که به واسطه تحریم بر ایران بار شده‌اند اکنون ذیل پرونده‌های متعدد (ابتکارهای مبتنی بر جغرافیای سیاسی) مورد حل و فصل قرار می‌گیرند.

حلال خور و سعیدی‌راد (۱۴۰۱) روندهای کلان جهانی را نسبت با دریای خزر مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌اند، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قدرت‌گیری چین در منطقه و تلاش ایالات متحده آمریکا برای ممانعت از این روند؛ مهار روسیه و تأکید آمریکا بر تحت فشار قرار

دادن اقتصاد این کشور از طرق تجاری؛ نظیر تحریم و انحصارزدایی و مهار هژمونی‌یابی احتمالی ایران در منطقه دریای خزر شواهدی بر تأیید فرض تحول جایگاه دریای خزر بر مبنای معادلات ژئواکونومیک بوده‌اند.

نورعلی و احمدی (۱۴۰۱) به واکاوی نقش ژئوپلیتیکی ایران پرداخته و در رابطه با ایران دست به توسعه مفهومی به نام هارتلند کریدوری زده‌اند.

حاجی‌زاده و دیگران (۱۴۰۰) در بررسی‌های خود نسبت به چین به این نتیجه رسیده‌اند که اجرای موفق طرح ابتکار، موجب افزایش همکاری‌های اقتصادی در منطقه، احیای موقعیت ژئواکونومیک ایران و حضور فعال‌تر ایران در همکاری‌های غیر غربی می‌گردد.

رییسی‌نژاد (۱۴۰۰) در کتاب خود به بررسی تحولات عمده جهانی حول مفهوم ژئوپلیتیکی راه و دیپلماسی راه پرداخته است.

### ۳- روش پژوهش

به‌منظور توسعه روشی برای تصویرسازی وضعیت ژئواکونومیک کشور در منطقه و جهان باید دانست که نیاز است تا از مفاهیم قدرتمند و توضیح‌دهنده برای تبیین این وضعیت بهره برد. در این تحقیق سعی می‌شود تا با گزینش مناسبی از این مفاهیم تصویر مناسبی ارائه گردد، یافته‌های مقاله مبتنی بر روش مطالعه موردی کیفی انجام شده است، روش مطالعه موردی یکی از متداول‌ترین استراتژی‌های تحقیق کیفی محسوب می‌شود. این رویکرد يك روش یا شیوه نیست بلکه نوعی استراتژی پژوهشی است. درون این استراتژی روش‌ها و شیوه‌های متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرند. تحقیق حاضر از نوع پژوهش‌های بنیادی نظری بوده و اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب و مقالات علمی و همچنین وبگاه‌های معتبر و یا مرجع به‌دست آمده است.

### ۴- یافته‌های پژوهش: تحلیل موردی کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق

مؤسسه‌ی لاوی<sup>۱</sup> در ارزیابی قدرت کشورها سه دسته از کشورها را برشمرده است که شامل ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های میانی هستند (انستیتو لاوی، ۲۰۲۳). البته هر چند قدرت‌های ریزدانه نیز قابل بررسی هستند. در این قسمت از پژوهش تصویری از وضعیت فعلی هر یک از قدرت‌های اثرگذار در سیاست خارجی ایران ارائه می‌گردد.

۴-۱- آمریکا در حال امنیتی‌سازی مسیرهای اقتصادی رقبا و تولید اجماع جدید واشنگتن

در دنیای پس از جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا به‌عنوان کشوری نظم‌ساز در جهان مطرح بود؛ به‌گونه‌ای که می‌توانست قواعد مد نظر خود را به‌صورت ایجابی در جهان تولید کند. بروز بحران مالی سال ۲۰۰۸ و رویدادهای پس از آن، بسیاری از کشورها را به این نتیجه رساند که آمریکا در مواقع بحرانی، دیگر نه تمایل دارد و نه قادر است از هم‌پیمانان خود دفاع کند. از آن زمان به بعد، آمریکا همچنان نقش سلبی خود را حفظ کرده است به‌گونه‌ای که قادر است نظم‌های در حال شکل‌گیری را تخریب کند، هرچند نوع سیاست ضدضد‌هژمونیک آمریکا علیه رقبا دقیقاً از جنس ساختن ابزارها و نظم‌های جدید است. امنیتی‌سازی مسیرهای اقتصادی<sup>۲</sup> رقبا (با استفاده از تحریم یا بروز پدیده تروریسم و اختلال در زنجیره تأمین) و تولید اجماع جدید واشنگتن از مهم‌ترین دستور کارهای فعلی آمریکا در بُعد بین‌المللی هستند.

#### ۴-۱-۱- امنیتی‌سازی محیط و دسترسی‌های اقتصادی رقبا

آمریکا به دنبال امنیتی‌سازی فضا برای شکل دادن به گسل‌های ژئواکونومیکی است؛ از این طریق، آمریکا علاوه بر تنگ کردن مسیرهای اقتصادی بر رقبا، سیادت امنیتی - نظامی خود بر سایر کشورهای جهان را تحکیم خواهد کرد. نفس امنیتی شدن فضا امکان رقابت با چین را سهل خواهد کرد، چراکه چین هنوز به مرحله بلوغ قدرت دست نیافته است. توضیح اینکه به دست آوردن برتری در سطح جهانی نیازمند سه توانمندی است: ۱- قدرت اقتصادی برای تأمین توان تغییر؛ ۲- توانمندی نظامی - امنیتی برای حفظ و شکل‌دهی به نظم مطلوب؛ ۳- گفتمان ایدئولوژیک برای ترسیم چهارچوب نظم و افق. تا به حال چین صرفاً توانسته است ذیل محور اول توانمندی خوبی به دست آورد ولی در حوزه توانمندی نظامی و گفتمان ایدئولوژیک همچنان مسیر زیادی تا رسیدن به یک قدرت هژمون، پیش رو دارد. در همین شرایط، برای آمریکا مطلوب است که مادامی که چین به سه‌گانه فوق دست نیافته است، آن کشور را وارد تخاصم و درگیری نظامی و گفتمانی کند تا کشور چین، به‌مثابه یک نوزاد نارس در عرصه هژمون جهانی مطرح شده و پس از مدتی، با شکست، صحنه برتری بین‌المللی را ترک کند.

در این راستا به نظر می‌رسد آمریکا از الگوی جنگ با شدت کم (جنگ ترکیبی) به سمت الگوی تکثیر اپیدمی اوکراین شدن سایر مناطق جهان (از جمله تایوان و قفقاز) حرکت می‌کند؛ در یک دهه گذشته به‌وضوح آمریکا به دنبال ترتیب دادن یک جنگ با شدت کم با چین در طول

۲. از جمله کمربندهای اقتصادی در حال شکل‌گیری یا زنجیره تأمین اقتصادها

مسیر یک پهنه یک کمر بند بوده است. هیث و دیگران (۲۰۲۲) در گزارشی تحت عنوان «بازگشت جنگ قدرت‌های بزرگ، سناریوهای درگیری نظام‌مند بین ایالات متحده و چین» بیان می‌دارند: در سناریوی جنگ کم‌شدت، پیش‌بینی می‌شود تقابل بین آمریکا و چین در امتداد مسیرهای ابتکار کمر بند و راه (مسیرهایی که چین به عنوان مبنای جغرافیایی قدرت بین‌المللی خود اولویت‌بندی کرده است) رخ خواهد داد. این گزارش معتقد است درگیری بین چین و آمریکا را نه صرفاً یک نبرد یا جنگ واحد، بلکه باید مجموعه‌ای از تقابل‌های متوالی مرتبط و پراکنده پهن شده در گستره جغرافیا تلقی کرد؛ مصادیق این تقابل عبارت خواهند بود از مناقشات سایبری مداوم، تقابل‌های اقتصادی و جنگ‌های متعارف نیابتی (هیث و دیگران، ۲۰۲۲).

در شرایطی که قدرت اقتصادی مسلط با ابزارهای اقتصادی صرف توان مهار رقبای بالقوه را ندارد به استفاده از ابزارهای ترکیبی اقتصادی و غیر اقتصادی برای متوقف کردن رقبا روی می‌آورد. یکی از این ابزارهای ترکیبی، ناامن‌سازی پیرامون رقبای نوظهور از سوی قدرت مسلط است؛ تا نخست امکان بسط و توسعه قدرت‌های نوظهور از آنها گرفته شود و دوم اینکه تا حد امکان این ناامنی‌ها به داخل قدرت‌های نوظهور سرایت داده شود تا از این طریق سرعت رشد و قدرت‌یابی آنها کند شود.

در این راستا تحریم ایران در کنار ظهور طالبان در سال ۲۰۲۰ و نابسامانی شام و عراق از سال ۲۰۱۴ و آسیای میانه معنادار به نظر می‌رسد، اتفاقاتی که اگرچه در دوره‌های تاریخی پیشین معنایی دیگر داشتند ولی به نظر می‌رسد در سیاست خارجی آمریکا معنای صریحی از مهار چین را دریافت کرده‌اند. ولی به‌مرور آمریکا در حال ارزیابی این روند بوده و در این راستا به نظر می‌رسد با درس گرفتن از جنگ اوکراین، راهبرد جنگ ترکیبی را به بلوغ رسانده و با استفاده بیشتر از ابزار نظامی و ساخت اوکراین‌های جدید برای رقبا به دنبال تشدید این روند است. این راهبرد برای کنترل رفتار بازیگرانی به کار برده خواهد شد که قصد فاصله‌گیری از آمریکا را داشته باشند.

#### ۴-۱-۲- تولید اجماع جدید واشنگتن، صنعت‌زدایی از سایر مناطق جهان و فراخوانی صنایع به داخل خاک آمریکا

اجماع واشنگتن<sup>۳</sup> اصطلاحی است که به سیاست‌های جهانی آمریکا از سال ۱۹۷۹ اشاره دارد که در دوره اوج خود به جهانی‌سازی اقتصاد انجامید. این دوره با ریگان‌یسم و تاجریسم آغاز

3. Wishington Consensus

شد و در دوره پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی به شدت دنبال شد. در نظم پس از جنگ سرد است که مؤلفه‌هایی به شرح زیر در صدر اولویت‌ها قرار داشته‌اند: افزایش جهانروایی دلار، آزادسازی بازارها، مقررات‌زدایی، آزادسازی تجاری، خصوصی شدن شرکت‌های دولتی و سیاست‌های مشوق سرمایه‌گذاری خارجی. به صورت خلاصه، در یک دنیای مسطح و فاقد هرگونه عوارض سیاسی و امنیتی، هر عامل تولیدی از هر جای جهان باید به کار گرفته شود تا تولید بیشینه شود؛ کارگر ارزان چینی، تأمین مالی آمریکایی، بنگاه‌های صنعتی آلمانی و انرژی از خاورمیانه.

اینک نظم حاصل از دوره اجماع واشنگتن با چالش‌های گسترده جهانی مواجه شده است؛ این چالش‌ها عبارت‌اند از: بروز گسل‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، تلاش کشورها برای حمایت‌گرایی و پیگیری سیاست صنعتی ملی، کنش منطقه‌ای و تاب‌آور کردن زنجیره‌های ارزش در مقابل تخاصم قدرت‌های بزرگ، کاهش کارایی سیستم پرداخت جهانی و متمرکز شدن بخش زیادی از زنجیره تأمین جهانی در قلمرو ژئوپلیتیکی رقیب با نظم آمریکایی مانند کشورهای عضو بریکس یا شانگهای.

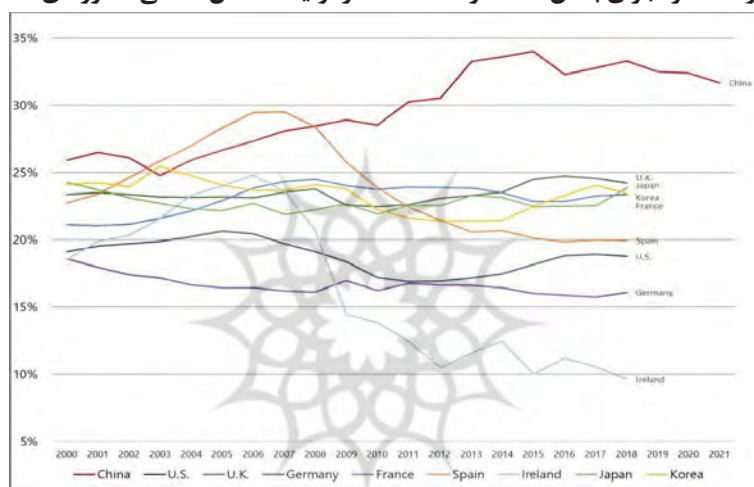
از طرفی آمریکا درون کشور خود دچار مشکلات عدیده شده است: یکی از این مشکلات آن است که در پیامد دهه‌ها مالی‌سازی اقتصاد و خروج صنایع از آمریکا، طبقه متوسط این کشور از تولید فاصله گرفته است و ضعف زیرساخت تولید، بحران بدهی این کشور را روز به روز تشدید خواهد کرد. آمریکا برای برآمدن از پس چین باید بتواند زنجیره‌های تأمین و ارزش جدیدی را خلق کرده و زنجیره‌های ارزش و تأمین خود را تا حد ممکن در نقاط جغرافیایی تحت ائتلاف با خود بگستراند. در این راستا سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید و چند تن دیگر از سران کاخ سفید رویکرد اجماع جدید واشنگتن را معرفی کرده‌اند (سولیوان<sup>۴</sup>، ۲۰۲۳).

۴-۲- چین؛ نیاز راهبردی به سرمایه‌گذاری در پهنه جغرافیایی به سمت غرب و چالش‌های پیش رو چین هنوز به سهولت از رکود دوره کرونا خارج نشده است و بررسی‌های فنی - اقتصادی نشان می‌دهد چین در آستانه ورود به دوره‌ای از تنش مالی است که ژاپن در دهه نود تجربه کرد و به مرور گوی سبقت را در بازی جهانی از دست داد. این کشور دو چالش اساسی در امور داخلی و خارجی اقتصاد خود دارد:

#### ۴-۲-۱- اقتصاد داخلی چین

بخش مسکن چین که پیشران ۳۰ درصد از اقتصاد این کشور است (راگوف و یانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۲۳) دچار مشکلاتی شده که بخشی از آن حاصل اشباع ظرفیت درونی این کشور و مهاجرت نیروی کار به شهرهای بزرگ است. در این بحران که منجر به تولید مسکن مازاد به اندازه نیاز ۹۰ میلیون نفر به خصوص در شهرهای درجه سوم شده است شرکت‌های عمرانی چینی در معرض بحران مالی جدی قرار گرفته‌اند و باید راه مفری برای خود در خارج از چین بیابند.

نمودار (۱): اثر اجزای بخش املاک و مستغلات در تولید ناخالص داخلی کشورهای مختلف



منبع: راگوف و یانگ (۲۰۲۳)

#### ۴-۲-۲- اقتصاد خارجی چین

در حساب سرمایه این کشور یک ریسک بزرگ در حال پدید آمدن است؛ به دلیل تراز تجاری فوق مثبت این کشور، اقتصاد چین باید بخشی از این مازاد تجاری را به صورت دارایی‌های خارجی نگه دارد. یکی از دارایی‌های بالقوه اوراق قرضه دلاری دولت آمریکاست که البته این اوراق تحت نظارت و مدیریت آمریکا قرار دارند و همچنین آمریکا مستند به اسناد امنیت ملی این کشور نیز سر ناسازگاری جدی با چین داشته و هر لحظه ممکن است مشکلاتی را برای چینی‌ها ایجاد نماید. فلذا چین لاجرم باید دارایی خارجی را به صورت سرمایه‌گذاری خارجی به سمت پروژه‌های جهانی خود نظیر یک پهنه یک کمربند هدایت کند. ولی طرف آمریکایی با

ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در طول مسیر یک پهنه یک کمر بند ارزندگی سرمایه‌گذاری اقتصادی و بازدهی این سرمایه‌گذاری را دچار چالش می‌کند.

یعنی به صورت هم‌زمان چین باید در یک پروژه امنیتی - سیاسی - اقتصادی موفق به بسط حضور اقتصادی در فرامرز خود شود و زنجیره تأمین باثباتی در قالب مسیرهای لجستیک زمینی ایجاد نماید. افغانستان و آسیای میانه از این زاویه دید معنادار هستند، چراکه نواحی‌ای هستند که ائتلاف متخاصم با آن‌ها ضعیف‌تر است.

با بررسی روند تحولات، می‌توان دریافت که عمده رفتار چین در قبال توسعه یک پهنه یک کمر بند چند ویژگی جدی دارد:

الف) چینی‌ها بر مبنای یک چرخه بازخوردگیری از طرف‌ها، این مسیر را توسعه می‌دهند: درست است که مسیری که از ایران بگذرد به دلایل عمده از جمله سکونت جمعیت بیشتر، ضعف نفوذ امنیتی - نظامی آمریکا و دارا بودن منابع برای چین بهتر است ولی رفتار طرف چینی نشان‌دهنده آن است که آنها تا ابد منتظر طرف ایرانی برای پیوستن به این طرح نیستند. بلکه بر اساس رویه بازخوردگیری برای قدم‌های بعدی تصمیم می‌گیرند. بر این اساس نشانه‌های جدی وجود دارد که اگرچه چینی‌ها دریچه فرصت را برای ایران باز کرده‌اند ولی آنها به مرور در حال چرخش به سمت رقبای منطقه‌ای ایران هستند. به عنوان مثال در حال حاضر شرکت حمل و نقل بین‌المللی‌ای که مسیر کریدور میانی (در شمال ایران و در نسبت با ترکیه) در شمال ایران را مدیریت می‌کند، شرکت چینی کاسکو است. همچنین چینی‌ها در پاکستان در حال تنظیم روابط اقتصادی - امنیتی با امارات هستند.<sup>۶</sup> از این جهت بیم آن می‌رود که به مرور با کاهش جایگاه آمریکا، چین به سمت جنوب خلیج فارس تمایل پیدا کند و این مسیر را تا رژیم صهیونیستی ادامه دهد. نکته جدی ماجرا این است که در خلال این روند، در دستگاه حکمرانی چین جناحی که طرفدار روابط با محور عبری - عربی است از جناح طرفدار روابط با ایران قوی‌تر شود. این مسیر امکان استفاده اعراب از اهرم‌های فشار چین علیه ایران را تشدید خواهد کرد.

ب) زبان گفت‌وگوی چین با طرف‌های خارجی حتی در امنیتی‌ترین موارد، اقتصادی است: زمین بازی‌ای که چین طی سالیان گذشته طراحی کرده و تا حد زیادی موفق بوده عبارت است از استفاده از ابزار اقتصادی برای پیشبرد همه اهداف سیاسی و امنیتی. چین

زبان اقتصادی را برای هر گونه گفت‌وگوی مؤثری برگزیده است. در مقابل آمریکا با امنیتی کردن هر فضایی امکان گفت‌وگوی اقتصادی را برای چین سخت می‌کند. چه اینکه پس از بحران اوکراین، آمریکا موفق شده است رویکرد بسیاری کشورها در قبال چین را تغییر دهد.

#### ۴-۳- اروپای قاره‌ای (آلمان و فرانسه)؛ شکست و عقب‌نشینی‌های مکرر در نظم جهانی

به نظر می‌رسد پرونده کلان جبهه آنگلوساکسون‌ها (از جمله آمریکا و بریتانیا) در تضعیف اروپای قاره‌ای و سردمداران آن اعم از فرانسه و آلمان، تحمیل ناامنی و فشار اقتصادی و بروز ریسک‌هایی است که در برآیند آن، این قاره صنعت‌زدایی شده و در حوزه صنعت و انرژی وابستگی وثیقی به آمریکا داشته باشد. چنانکه در اثنای بحران انرژی گران قیمت پس از جنگ اوکراین بسیاری از شرکت‌های انرژی‌محور از این قاره رفتند.<sup>۷</sup> همچنین آنگلوساکسون‌ها در اقدامی دیگر در صدد بردن ارز یورو به زیر چتر دلار و پوند هستند، چنانچه نقش جهانی یورو در بیست سال اخیر ۲۰ درصد افت کرده است (بلومبرگ، ۲۰۲۳).

ضربات متعدد آنگلوساکسون‌ها بر پیکره اروپای قاره‌ای، فرانسه را نیز تحت فشار قرار داده است؛ فرانسه طی سالیان اخیر مکرر در پرونده‌های سیاست خارجی خود شکست خورده است؛ از شکست در پرونده ۱۰۰ میلیارد یورویی فروش زیردریایی به استرالیا به‌وسیله ائتلاف آکوس<sup>۸</sup> تا به محاق رفتن ایده ارتش اروپایی. از سویی دیگر آمریکا در حال برکشیدن شمشیر داموکلس<sup>۹</sup> لهستان در شرق اروپا است که به‌صورت هم‌زمان علیه آلمان و روسیه به‌مثابه یک سد آهنین ناتو و هم‌زمان ابزاری برای کنترل رفتار این قاره به کار برده خواهد شد، لهستان با سرعت بالایی در حال تجهیز به به‌روزترین تسلیحات نظامی آمریکایی و کره جنوبی است. در کلان ماجرا از بین رفتن یک اروپای قاره‌ای مستقل و وابسته شدن آن به ایالات متحده آمریکا، تمام دلایلی که چین قصد دارد به‌وسیله یک پهنه یک کمربند خود را به این قاره برساند را از بین می‌برد.

#### ۴-۴- کنش بین‌المللی هند در نسبت با قدرت‌های جهانی

هند در دوره اخیر به دنبال شکل دادن به یک موازنه مثبت است و تلاش می‌کند با همه اطراف

۷. نظیر شرکت BASF آلمان که مجبور به انتقال بخشی از خطوط تولید خود به چین شد.

۸. آکوس یک ائتلاف امنیتی با عضویت استرالیا، انگلستان و ایالات متحده آمریکا است که در سال ۲۰۲۱ و با هدف کنترل بر منطقه ایدوپاسیفیک ایجاد شد.

9. Damocles

قدرت، روابط سیاسی - امنیتی - اقتصادی برقرار کند. از یک طرف این کشور سیاست امنیتی کنش شرق و مهار چین را در دستور کار قرار داده است و از طرف دیگر، پس از جنگ روسیه و اوکراین، خرید انرژی از روسیه را به شدت افزایش داده است. هند حتی حاضر به معامله با طرف‌های چینی (که رقیب ژئوپلیتیکی خود محسوب می‌شود) نیز هست. در همین راستا ضربه اساسی آمریکا به شرکت آدانی هند طی چند ماه گذشته قابل فهم است؛ این شرکت که نزدیکی زیادی با مودی<sup>۱۰</sup> دارد به دنبال یک معامله بزرگ با چین بود، که انتشار گزارشی در یکی از نهادهای اعتبارسنجی آمریکایی منجر به سقوط چند ده میلیارد دلاری ارزش دارایی‌های آدانی شد. تمامی این نشانه‌ها نمایانگر آن است که هند آخراً امر باید امتیازاتش را در تناسب با آمریکا تعریف کند.

در یک سال گذشته، هند حجم قابل توجهی از اوراق قرضه آمریکا را خریداری نموده است. بخش زیادی از این عواید از محل واردات نفت از روسیه پس از جنگ اوکراین حاصل شده است؛ یعنی هم‌زمان هند به دو طرف امتیازاتی را داده است. این سیاست موازنه مثبت هند باعث شده است تا سازمان‌های بین‌المللی که این کشور در آنها حضور دارد (از جمله شانگهای یا بریکس) عملاً از حیز انتفاع خارج شوند چراکه هند در مواضعی هماهنگ با سیاست‌های ایالات متحده اقدام می‌کند و در مواضعی نیز خلاف آن حرکت می‌کند؛ همین امر باعث شده است که حضور هند در پیمان‌هایی نظیر شانگهای و بریکس (که عملاً پیمان‌هایی در خلاف جهت خواست و میل ایالات متحده آمریکا هستند) چالش‌هایی ایجاد کند.

ولی نشانه‌های فوق تنها نشان‌دهنده سیاست منفعل این کشور نیست بلکه این کشور سیاست‌های فعالانه‌ای را نیز برگزیده است، از جمله این موارد می‌توان به حاکمیت طبقه الیگارش هندی بر بخش‌های وسیعی از زنجیره تأمین بریتانیا اشاره نمود. همچنین این کشور در مسیر کریدور هند و ابراهیمی (که از هند آغاز شده، از مسیر امارات متحده عربی تداوم یافته و تا رژیم صهیونیستی و دریای مدیترانه می‌رسد) و بر پایه سهم ۵۰ درصدی از جمعیت امارات متحده عربی، نقش به‌سزایی ایفا خواهد کرد. در این مسیر رژیم صهیونیستی نیز حضوری جدی خواهد داشت.

#### ۴-۵- توسعه امارات متحده عربی همگام با خروج دوم آنگلو ساکسون‌ها از منطقه

این کشور طی دهه‌های گذشته زیرساخت دو خروج راهبردی آنگلو ساکسونی از منطقه غرب

آسیا را فراهم ساخته است؛ در مرتبه اول با خروج بریتانیا و حرکت این کشور به مناطق غرب کانال سوئز در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی، شکل گیری امارات متحده عربی معنادار شد. این مسیر تا بحران مالی ۲۰۰۹ ادامه داشت تا به واسطه بحران مالی، امارت ابوظبی توانست بخش زیادی از حاکمیت سایر امارت‌ها را بخرد و حاکمیت ملی این کشور را به صورت کاملاً متفاوتی بنا کند. خروج راهبردی دوم، پس از خارج شدن آمریکا از منطقه غرب آسیا رخ داد که به اقتضای آن آمریکا جریان مالی معتنا بهی را به سمت این کشور هدایت نمود و پیرو آن جایگاه راهبردی امارات افزایش پیدا کرد؛ یکی از اضلاع این چینش نظم، فروش شرکت معظم آمریکایی پی اند او<sup>۱۱</sup> به امارات و شکل گیری شرکت دی پی ورلد<sup>۱۲</sup> بود که یکی از بزرگ‌ترین اپراتورها و دارندگان بنادر جهان است. این کشور از آنجا که یک قلمرو تسویه ارز دلاری است برای آمریکا ارزش راهبردی دارد و ایالات متحده به وسیله این ابزار رفتار بازیگرانی نظیر ایران را کنترل می‌نماید؛ هر چند امارات برای حفظ این جایگاه ناچار به برقراری حدی از کنترل تنش با ایران است. با این تفسیر منظور از خروج آمریکا از منطقه به معنای جای گذاری نظم آمریکایی به جای حضور آمریکا است.

این کشور از پیش از بحران مالی ۲۰۰۹، توسعه دریایی خود را آغاز کرد؛ به همین دلیل در دوره‌های بعدی مناطق ساحلی منطقه برایش مهم بود. در همین راستا حضور در جنگ یمن و تلاش برای تسلط این کشور بر دو تنگه باب‌المندب و کانال سوئز قابل تفسیر است؛ اما مسیر دریایی اصلی‌ای که امارات ترتیب داده عبارت است از یک اتصال قومیتی بزرگ؛ در حال حاضر نیمی از جمعیت این کشور هندی هستند، بر همین مبنا این کشور با تمرکز بر مزیت‌های اقتصادی هند و رژیم صهیونیستی در قلب پیمان راهبردی آمریکایی I۲U۲ قرار گرفت. در این پیمان، منابع انسانی فناور، طلا و جواهرات و کالاها با ارزش افزوده بالا و همچنین استقرار نمایندگی شرکت‌های مطرح جهانی اهمیت می‌یابد. این اجزا به وسیله توسعه زیرساختی شبکه ریلی رد-مد و شبکه فرودگاهی تقویت خواهد شد.

تهدید چنین توسعه‌ای برای ایران تخلیه توان نیروی انسانی متخصص و فناور و غلبه فناوریانه امارات بر محیط اقتصادی ایران خواهد بود. ضمن آنکه امارات با تحت اختیار درآوردن مسیرهای دریایی تجارت منطقه، ابزارهای کنترل ایران را روز به روز تقویت خواهد نمود.

11. P&amp;O

12. DP WORLD

#### ۴-۶- روسیه: درگیر بحران اوکراین ولی فعال

روسیه یکی از کشورهایی است که کنشگری قابل توجهی در تجارت کامودیتی‌ها و کالاهای اساسی اعم از غلات، فلزات معدنی و انرژی دارد؛ صادرات قابل توجه انرژی به اروپا و چین و همچنین تجارت قابل توجه غلات، این کشور را طی سالیان اخیر به‌عنوان اقتصاد دارای وضعیت شبه‌انحصاری در بازار کامودیتی‌ها مطرح کرده است؛ هدف اصلی تقابل‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک آمریکا با روسیه، از بین بردن وضعیت شبه‌انحصاری مذکور است. آمریکا در تقابل ژئوپلیتیک با روسیه چند هدف عمده را دنبال می‌کند:

- (الف) چرخش وابستگی راهبردی اتحادیه اروپا از روسیه به سمت آمریکا؛
  - (ب) ایجاد تنش امنیتی و از رونق انداختن مسیر شمالی کمربند و راه چین (مسیری که تا پیش از بحران، محل عبور حدود میلیون‌ها تن کالا از چین به اروپا و بالعکس بود)؛
  - (ج) کاهش قابل توجه درآمدهای ارزی روسیه از محل تجارت کالاهای اساسی.
- رفتار روسیه نیز کاملاً مبتنی بر قواعد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک است؛ به این معنا که این کشور تلاش می‌کند مزیت‌های مبتنی بر جغرافیای خود را حفظ کرده و وضعیت شبه‌انحصاری در بازار کامودیتی‌ها و کالاهای اساسی را تداوم بخشد. بر این اساس به نظر می‌رسد جنگ روسیه و اوکراین، نمودی از فرایند تغییر نظم بین‌المللی بوده و تداوم آن، عاملی مهم در تغییر آرایش ژئواکونومیک جهانی خواهد بود؛ این کشور وارد زد و خوردی بزرگ با غرب شده است که این درگیری در شرایط حاضر از آفریقا (به‌وسیله شکل دادن به کودتا) تا آسیا را نیز در بر می‌گیرد.

رویدادهای فوق دلالت‌های مهمی برای اقتصاد ایران خواهد داشت که در ادامه به‌اختصار به دو مورد از آنها اشاره می‌شود:

- به‌صورت تاریخی، یکی از چالش‌های مهم روسیه دسترسی به آب‌های گرم در راستای تداوم تجارت بوده است. از دست رفتن روابط سابق با اروپا به‌موجب تحریم‌های غرب و بروز چالش‌های امنیتی، روسیه را ناچار به روی آوردن به جنوب کرده است. از این منظر، جغرافیای ایران ارزندگی بیشتری پیدا کرده است و ایران می‌تواند نقش مهمی در بازصادرات غلات روسیه و همچنین صادرات اقلام صنعتی به آن پهنه ایفا کند؛ اما از طرف دیگر و در نقطه مقابل، امارات نقش مهمی در عرضه و بازصادرات انرژی روسیه به دست

آورده است؛ به گونه‌ای که به‌زعم برخی نویسندگان، دبی به ژنو جدید روسیه مبدل شده است (فایننشال تایمز، ۲۰۲۳)<sup>۱۳</sup>. همکاری بزرگ‌مقیاس با کشور روسیه، در اختیار قرار دادن مخازن ذخیره‌سازی نفت و فراهم ساختن زمینه نقل و انتقال وجوه، امارات را به مقصد شرکت‌های بزرگ انرژی روسیه تبدیل کرده است. زمانی که سوئیس به نظام تحریم‌ها علیه مسکو پیوست، بخشی از تجارت نفت جهان به خاورمیانه منتقل شده و برخی از پیش‌بینی‌ها مبنی بر این است که این رویه ادامه‌دار خواهد بود (ویلسون، ۲۰۲۳). این رویداد، زمینه را برای کنشگری تقابلی امارات نسبت به ایران فراهم آورده است. همراهی روسیه با طرح بحث ادعایی امارات در مورد جزایر سه‌گانه ایران، شاهد مثالی از این موضوع است.

- همچنین یک مانع دیگر که جدیداً ایجاد شده آن است که به دلیل تحریم، شبکه مالی روسیه به سمت دویی کوچ کرده است به نحوی که این کشور نیز در صف متقاضیان درهم قرار گرفته است. همین امر، فشار زیادی را بر شبکه ارزی ایران وارد می‌کند.
- مشکل دوم ایران و روسیه در ناترازی تجاری بزرگ دو کشور است؛ درحالی‌که روسیه حدود سه میلیارد دلار به ایران صادرات دارد ایران تنها یک میلیارد دلار صادرات به این کشور دارد. همین امر، از توسعه روابط جلوگیری به عمل می‌آورد.

#### ۴-۷- توسعه ژئوپلیتیکی ترکیه در مسیر دنیای ترک و کریدور لاجورد

این کشور به‌صورت تاریخی تراز تجاری منفی را تجربه می‌کند. دلیل چنین امری آن است که این کشور منابع انرژی ندارد و باید تمام توان اقتصادی خود را به کار گیرد تا انرژی وارد کند. همین امر باعث شده است تا این کشور در چند سال گذشته به سمت کشورهایی که دارای منابع انرژی هستند (نظیر لیبی، آذربایجان و آسیای میانه) تمایل ژئوپلیتیکی از خود نشان دهد. در کلان‌ماجرا در ادامه این سیاست ترکیه تراز تجاری ترکیه نزدیک به صفر خواهد شد که معنای سیاسی آن توسعه قدرت این کشور و توانایی خلق نظم منطقه‌ای خواهد بود. در همین راستا روابط رو به توسعه این کشور با باکو قابل فهم است. باکو سکویی برای توسعه دو مسیر ژئوپلیتیکی است که ترکیه در حال تنظیم پیچ آن است؛ این دو مسیر عبارتند از:

الف. کریدور میانی: این مسیر که اروپا را از طریق ترکیه و قزاقستان تا چین به هم متصل می‌سازد متشکل از زنجیره وسیعی از شبکه ریلی، جاده‌ای و فرودگاهی است که به‌وسیله آن ترکیه به دنبال توسعه زنجیره ارزش خود در کشورهای در طول مسیر است.

#### نمودار (۲): امتداد کریدور میانی



منبع: وزارت خارجه ترکیه<sup>۱۴</sup>

ب. کریدور لاجورد: این مسیر، ترکیه را از طریق ترکمنستان به افغانستان و از آنجا به پاکستان و هند می‌رساند. ترکیه به‌خصوص با کشورهای در طول این مسیر توسعه روابط نظامی را در دستور کار دارد که یکی از سرفصل‌های آن تقویت نیروی دریایی ترکمنستان است. این مسیر به‌صورت قابل توجهی میزان دسترسی ایران به آسیای میانه و در نتیجه چین را زیر ضربه خواهد برد.

#### نمودار (۳): مسیر لاجورد



منبع: یافته‌های پژوهش

14. Available at: [https://www.mfa.gov.tr/turkiye\\_s-multilateral-transportation-policy.en.mfa](https://www.mfa.gov.tr/turkiye_s-multilateral-transportation-policy.en.mfa)

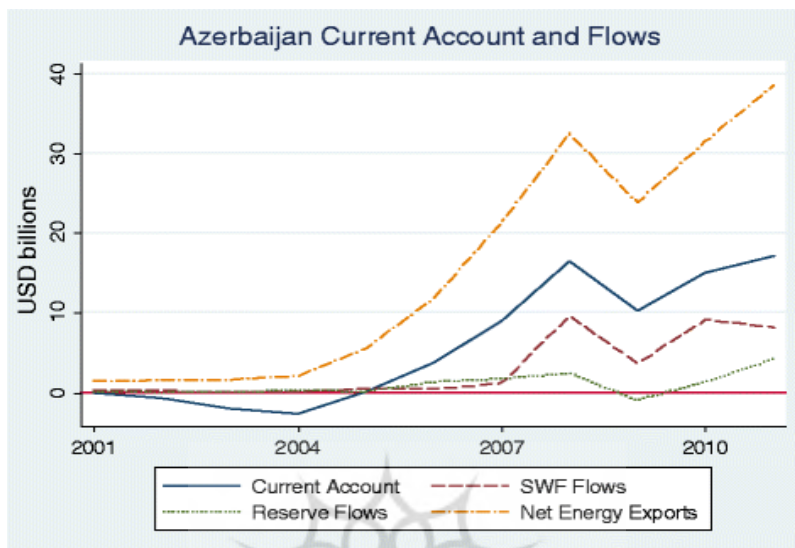
هر دوی مسیرهای فوق به دلیل عبور کالا در فضایی خارج از جغرافیای ایران، قابلیت شکل‌دهی به زنجیره‌های صنعتی و اقتصادی قدرتمند در خارج از مرزهای ایران را خواهند داشت به نحوی که مناطق شمال غرب ایران در حاشیه تمدنی قرار گرفته و مردمان این مناطق به دلیل ایجاد اختلاف پتانسیل رفاهی دو سوی مرز، دچار معضلاتی نظیر تجزیه‌طلبی و درون‌ماندگی خواهند شد.

در موضوع ارمنستان نیز باید دانست که حتی اگر ترکیه موفق به پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی خود در توسعه مسیر زنگرور از مسیر فشارهای نظامی و امنیتی نشود قادر خواهد بود تا با فشار به ارمنستان این مسیر را از طریق ژئواکونومیک و با استفاده از ابزارهای اقتصادی پیش ببرد و رضایت ارمنستان را جلب کند. اجزای این کریدور تماماً به‌عنوان تهدید امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که جریان کالا از چین بعد از عبور از ایران به ترکیه می‌رسد؛ به عبارت دیگر تلاش ترکیه برای توسعه مسیر ترانس کاسپین، تغییری در سهم این کشور در ترانزیت کالا ایجاد نمی‌کند. در نتیجه به نظر می‌رسد هدف از توسعه چنین کریدوری بیشتر ژئوپلیتیکی است تا اقتصادی.

#### ۴-۸- جهش توسعه‌ای دوم آذربایجان؛ نشانه‌هایی از چشمداشت باکو به خاک ایران

این کشور تا ابتدای دهه ۲۰۰۰ همواره کشوری بود که به دلیل نداشتن یک حساب جاری قدرتمند قادر به برقراری روابط گسترده با جهان نبود و از یک تنهایی راهبردی رنج می‌برد. ولی به‌مرور از سال‌های ۲۰۰۵ این کشور توانست با استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی جذب‌شده از یک کنسرسیوم به رهبری شرکت بریتیش پترولیوم<sup>۱۵</sup>، خط لوله باکو - تفلیس - جیحان را با ظرفیت حداکثر یک میلیون بشکه نفت در روز توسعه دهد؛ این خط لوله یک تراز تجاری فوق مثبت را برای آذربایجان شکل داد.

## نمودار (۴): اثر احداث خط لوله نفت باکو- جیحان بر حساب جاری آذربایجان

منبع: گاگنون<sup>۱۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۷

همین عامل باعث شد تا رژیم باکو به مرور قدرت توسعه‌طلبی ژئوپلیتیکی پیدا کند؛ این قدرت‌یابی در زمانی بود که باکو دچار یک تحقیر ژئوپلیتیکی از سوی ارمنستان شده بود و در جنگ قره‌باغ در دهه پیشین شکست خورده بود. سایر کشورها نیز هر یک به دلایلی منافع لازم برای کمک به باکو برای بازپس‌گیری قره‌باغ را نداشتند. همین امر عاملی شد تا سران این کشور برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی خود به سمت ایجاد روابط امنیتی با بازیگری حرکت کنند که مسئله مشترکی با آنها داشت، این بازیگر جایی نبود جز رژیم صهیونیستی که سیاست سنتی‌اش محاصره رقبا به‌وسیله تعریف مجموعه‌ای از ائتلاف‌ها بوده است (درست مانند اتحاد با رژیم طاغوت برای مهار اعراب).

همچنین از سال ۲۰۰۸ ترکیه (کشوری که از سال‌های ۱۹۲۱ و از زمان تشکیل اولیه جمهوری آذربایجان، سابقه تاریخی مشترک با باکو داشت) طرح جاده ابریشم ترکی را کلید زد که شامل پیشبرد سیاست‌های تجاری و توسعه زیرساختی برای اتصال کشورهای ترک‌زبان می‌شد. عامل اساسی در پیشبرد یک گذرگاه تجاری هزینه حمل‌ونقل است و مبتنی بر محاسبات حمل‌ونقلی، دور زدن محدوده جغرافیایی ارمنستان برای رسیدن به دریای کاسپین

هزینه‌های احداث چنین کریدوری را سخت می‌نمود. همین امر، تمایل ترکیه به پیوستن به آذربایجان از طریق پهنه جغرافیایی ارمنستان را به موضوعی مهم در پیشبرد کریدور جدید تبدیل کرد.

باکو در نقطه‌ای قرار دارد که برای رسیدن به نخجوان تمامی اصلاحات سیاسی<sup>۱۷</sup> و نظامی و اقتصادی و اطلاعاتی لازم را صورت داده ولی قادر نیست از منظر ژئوپلیتیک سؤالش را پاسخ دهد؛ اما به نظر می‌رسد بتواند از منظر ژئواکونومیک این مسئله را پاسخ دهد و ارمنستان را راضی به احداث کریدور زنگرور کند؛ امری که با حضور پاشینیان در جشن تحلیف اردوغان به نظر می‌رسد دور از دسترس نباشد. چنانچه این آرزو محقق شود نقشه ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز دستخوش دگرگونی می‌شود و دسترسی ایران به شمال از غرب دریای کاسپین با مشکل مواجه می‌شود.

باکو هم‌زمان با توسعه مسیر زمینی، روی مزیت تاریخی خود از زمان شوروی (که مالک عمده کشتی‌های تجاری دریای کاسپین است) تمرکز کرده و با تأسیس کارخانه کشتی‌سازی آلت آن مزیت را تقویت خواهد کرد.

## ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

با نظر به تحولات اشاره‌شده در متن حاضر می‌توان دید که هر کشور به دنبال نقش‌یابی جدید در نظم جهانی است اما عموماً همه از شرایط حال حاضر تغییر در نظم تبعیت می‌کنند. در الگوی رقابت جدید، می‌توان انتظار داشت پدیده‌هایی به شرح زیر بروز یافته و تشدید شود؛ مطابق با بررسی‌های این مقاله وضعیت‌های ذیل محتمل است:

- ۱- چندپاره شدن زنجیره تأمین جهانی؛
- ۲- افزایش رویه‌های غیرمبتنی بر ارز جهان‌روا مانند رویه‌های مالی منطقه‌ای و دو و چندجانبه؛
- ۳- پدیدآیی زنجیره ارزش‌های چندقطبی رقیب؛
- ۴- گسترش تجارت زمینی و قدرت‌گیری جریان تجارت زمینی در برابر مسیرهای تجارت دریایی به‌وسیله گسترش اتصالات زیرساختی؛
- ۵- رقابت قدرت‌ها بر سر راهبردهای صنعتی غیر مبتنی بر زنجیره‌های ارزش جهانی و

۱۷. مجموعه وسیعی از اقدامات از جمله لغو خودمختاری نخجوان، تصفیه فرماندهان و نیروهای طرفدار روس و ایران و ...

رقابت روی لبه‌های تکنولوژی همانند فناوری‌های ساخت چپ و قابلیت‌های نرم‌افزاری هوش مصنوعی و بسیاری فناوری‌های دیگر؛

۶- به صورت محتمل می‌توان گفت که جهان فعلی، واجد یک ویژگی مهم است و آن عبارت است از تکه‌تکه شدن پهنه‌های جغرافیایی و تمرکز بیشتر بر رویه‌های منطقه‌ای.

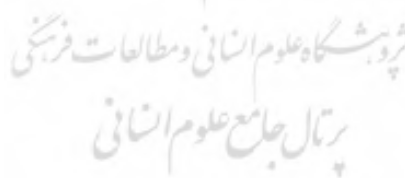
در این تغییر نظم، کشورها اگرچه در ظاهر در حال تعامل با یکدیگر بوده و به طور مثال، اوراق قرضه یکدیگر را خریداری می‌کنند اما در زیر پوست جغرافیا، در حال هدف قرار دادن زنجیره‌های ارزش و تأمین یکدیگر هستند؛ اما رویدادهای فوق، به خودی خود زمینه را برای رها شدن ایران از چالش‌های تحریمی فراهم نمی‌آورند؛ در همین فضا و هم‌زمان با گذار قدرت در عرصه بین‌الملل، ابرقدرت‌ها، کنشگران بزرگ و کنشگران میانه، در حال بازتعریف نقش خود در عرصه بین‌الملل هستند.

### تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

### حامی مالی

این مقاله با حمایت مالی پژوهشکده امور اقتصادی، به منظور ارائه در همایش ملی اقتصاد ایران، تهیه شده است.



## References

- Carter J., & Alexandre, T. (2023). Dollar Usage in Global Payments in July Rises to Record, Swift Says. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2023-08-24/dollar-usage-in-global-payments-in-july-rises-to-record-swift-says>.
- Ebrahimi, M. (2024). America's Strategy to Create a Global Gas Market, ISA Center. <https://isacenter.ir/4140205181356/>. (In Persian)
- Gagnon, J.E., Bayoumi, T., Londono, J.M., Saborowski, C., & Sapriza, H. (2017). Direct and Spillover Effects of Unconventional Monetary and Exchange Rate Policies, IMF Working Papers. <https://www.imf.org/en/Publications/WP/Issues/2017/03/13/Direct-and-Spillover-Effects-of-Unconventional-Monetary-and-Exchange-Rate-Policies-44743>.
- Hajizadeh, Z., Ahmadi Nohadani, S., farajirad, A., & Mahkouii, H. (2022). Explanation of the "China Belt & Road Initiative" Effect on Iran's Geoeconomics. *Journal of economics and regional development*, 28(22), 1-22. <https://doi.org/10.22067/erd.2022.74834.1095>. (In Persian)
- Hallkhor, M., & Saeedirad, A. (2022). Global Mega Trends and Caspian Sea; Expansion and Developments. *Foreign Relations*, 14(1), 159-181. <https://doi.org/10.22034/FR.2022.153257>. (In Persian)
- Heath, T., Gunness, K., & Tristan, F. (2022). The Return of Great Power War, Scenarios of Systemic Conflict Between the United States and China. RAND Corporation. [https://www.rand.org/pubs/research\\_reports/RRA830-1.html](https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA830-1.html).
- Lowy Institute. (2024). Asia Power Index 2024 edition. <https://power.lowyinstitute.org/>.
- MokhtariHashi, H. (2018). Explaining the Concept of Geoeconomics and Recommendations for Iran. *Geopolitics Quarterly*, 14(50), 56-82. (In Persian)
- Noorali, H. & Ahmadi, A. (2022). Analysis of Iran's Geopolitical Role in International Corridors. *Human Geography Research*, 54(3), 1161-1187. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2022.331764.1008388>. (In Persian)
- Raisinejad, A. (2021). Iran and Modern Silk Road; from Geopolitic to Diplomacy of Road. Tehran University Publication. (In Persian)
- Rogoff, K., & Yang, Y. (2023). Rethinking China's Growth. *Europe's Economic Policy Journal*, 78th Economic Policy Panel Meeting.

Sullivan, J. (2023). Remarks by National Security Advisor Jake Sullivan on Renewing American Economic Leadership at the Brookings Institution. The White House.

TorabiFard, M., & Razm Ahang, M. (2024). Strategic Initiative of Iran: New Locating and Defining of the Role of Iran in Global Economy; 1. What is Neutralizing of the Sanctions?. Research center of the Islamic Parliament, No. 18942. (In Persian)

Wilson, T. (2023). How Dubai became 'the New Geneva' for Russian Oil Trade. Financial Times. <https://www.ft.com/content/7ac92047-b306-49d0-9811-dde5c916dd6>

<http://www.khorasannews.com/newspaper/page/21243/1/785058/0>

[https://www.mfa.gov.tr/turkiye\\_s-multilateral-transportation-policy.en.mfa](https://www.mfa.gov.tr/turkiye_s-multilateral-transportation-policy.en.mfa)

